مدیریت شهری
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018
۱۱۷-۱۳۲
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۶

بررسی نقش برنامه‌ریزی ارتباطی به مثابه رهیافتی نوین در ارتقاء کیفیت و توسعه شهری در ایران؛ نمونه موردی: محله سهرابیه کرج

محمد نوری کاردر* – کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه قزوین، قزوین، ایران
صفات الله زاهدی– کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد انزلی، گلستان، ایران.
مازیار ناظمی– کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی، دانشگاه آزاد واحد جنوب، تهران، ایران.

چکیده
برنامه ریزی شهری در اواسط دهه چهل هجری شمسی در ایران پیاده گشت، اما از همان زمان به شیوه و قالبی بود که در جهان پیشرفته‌تر، ناکارآمدی آن شیوه‌ها اثبات شده بود و شیوه های نوینی جایگزین شده بودند. نخستین برنامه برای شهرها با رویکرد ساده – جامع تحت عنوان «طرح جامع شهر» در سال ۱۳۴۵ تهیه شد. مصادف با هنگامی که این رویکرد در اروپا جای خود را به رویکردهای نوینی چون عقلانی جامع و سیستمی چرخه‌ای می‌داد. پس از حدود بیست سال، متخصصان ایرانی به ناکارآمدی بکارگیری آن شیوه‌ها اذعان نمودند و یک تلاش بطئی برای رفع نقایص آن برنامه ها و یا جایگزین کردن آن با شیوه‌های جدیدتر پیش گرفته شد. درک این موضوع سبب شد تا تلاشی جهت ارتقاء نظام برنامه–ریزی شهری در ایران پدید بیاید. بر این اساس بود که سعی شد برنامه هایی، با عناوین متنوع، در ایران بکار بسته شوند. از سویی دیگر نظام محلات در ایران در ۱۰۰ سال اخیر دچار تغییرات اساسی شده است. به گونه‌ای که نظام سنتی محلات تضعیف و نظام جدید جایگزین نیز ناکارآمد است. در این میان می توان از رهیافت‌های نوینی نظیر برنامه ریزی ارتباطی در جهت ارتقاء کیفیت وضعیت کنونی محلات کمک گرفت. این نوع برنامه‌ریزی اتفاقاً با بهره مندی از نظریه های اجتماعی، روانشناسانه و سیاسی، پا در زمین واقعیت گذاشت و به طور مستقیم وجود تعارض و تضاد میان کلیه ی ذیمدخلان فضا را مورد مداقه قرار داد. این نظریه و رهیافت هایش با مطالعه ی چگونگی پخشایش قدرت تلاش می نماید تا به نفع گروه های محروم جامعه تعادلی در توزیع قدرت به وجود آورد. روش تحقیق این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی– تحلیلی است. هدف پژوهش حاضر بررسی ظرفیت و فواید بکارگیری رهیافت برنامه ریزی ارتباطی در برنامه های مقیاس محله‌ای می باشد. نتیجه مهم این پژوهش پرداختن به جایگاه برنامه ریزان شهری در ارتقاء کیفیت توسعه شهری است. برنامه ریزی ارتباطی به عنوان رهیافتی نوین جهت مشارکت کلیه ذی نفعان و ذی نفوذان در شهر سهم زیادی از ایجاد مشارکت در جامعه را عهده دار می باشد. این امر نه لزوما یک امر از بالا و تحت اختیار نهادهای دولتی و قوانین است، بلکه به همان میزان احتیاج به خواست و نیاز جامعه دارد و در این بین این شهر و فضای شهری است که می تواند مشعر این خواست و نیاز باشد. برای انجام یک چنین برنامه ریزی لازم است تا نیازهای اجتماع محلّی شناخته شود، مسأله و مشکل برای آنان بازتعریف شود تا بتواند لزوم همکاری و مشارکت آنان محرز شود. در این راه، برنامه ریزی باید توجه و انرژی خود را بیشتر معطوف جامعه ی مخاطب نماید و با بهره گیری از راهبردهای فرآیندی و محتوایی دست به اقدام عملی بزند. برنامه ریزان و متخصصان امر شهری هستند که نباید به مشارکت به عنوان یک ابزار کمکی، بلکه به عنوان یک هدف نگاه نمایند.

واژگان کلیدی: کنش ارتباطی، برنامه ریزی ارتباطی، نقش برنامه ریزان شهری، مشارکت.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۸۶۶۸۸۰؛ رایانامه: Nouri.arc@gmail.com

Analysing & cheking the role Of Communicative planning in the upgrade of urban development az novel approach in Iran. Case sample: Sohrabiye neighbourhood in Karaj

Abstract
Urban planning began in Iran in the mid٤٠-s. But from the same time, in a way that was more advanced in the world, the inefficiency of those practices was proven, and new ways were replaced. The first program for cities was developed with a simple, comprehensive approach called the «Comprehensive plan» in ١٣٤٥. It coincided with the time when this approach in Europe was replaced by new approaches such as comprehensive rational and cyclic systems. After about twenty years, Iranian experts acknowledged the inefficiencies of using those practices, and an attempt was made to overcome the defects of those programs or to replace them with newer methods. Understanding this has led to an attempt to improve the urban planning system in Iran. It was based on the fact that there were attempts to apply programs with various titles in Iran. On the other hand, the system of localities in Iran has undergone fundamental changes over the past ١٠٠ years. The traditional system of weak neighborhoods and the replacement of the new system are also ineffective. Among these, new approaches such as communication planning can be used to improve the quality of the current situation in neighborhoods. This kind of planning, incidentally, with the use of social, psychological and political theories, set foot on the ground and directly concerned the existence of conflict and contradiction among all the subsumed of space. This theory and its approaches seek to spread the power by studying how to distribute power in favor of disadvantaged groups of society. The research method is qualitative and descriptive-analytic. The purpose of this study is to examine the capacity and benefits of using communication planning approach in neighborhood scale programs. The main result of this research is paying attention to the role of urban planners in improving the quality of urban development. Communicative planning as a new approach to the participation of all stakeholders and stakeholders in the city is a major contributor to the creation of community participation. This is not necessarily a top-notch issue under the authority of state institutions and laws, but also as much as the needs of the community and, in the meantime, the city and the urban environment that can be urgently needed. To do such planning, it is necessary to know the needs of the local community, to redefine the problem and the problem for them, so that the need for cooperation and participation can be established. In this way, planning should focus its attention and energy more on the community and take action with the use of process and content strategies. Urban planners and specialists should not be seen as partnerships as an auxiliary tool, but as a goal.
Key word: Communication activities, communication planning, role of urban planners, participation

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

نخستین سیاست‌های عمومی در عرصه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مرتبط با اصلاحات شهرداری بود در بخش پایانی قرن نوزدهم مناطق شهری در اروپای غربی با مسایل مربوط به رشد بسیار سریع روبه رو بودند. راه‌حل این مشکلات در مداخله فیزیکی در محیط زیست جستجو می‌شد. چنین بود که ناظران و معماران و مهندسان، رشته برنامه‌ریزی را پی ریختند و بر دانش فنی و نگاه کلان تأکید کردند. براساس همین منطق بود که چنین تصور شد که ماشین پیچیده جامعه را نیز می‌توان در سنت دانش علمی و عقلانیت روشنگری داشت. سیاست برنامه‌ریزی اساساً پروژه‌ای مدرنیستی بود که عقل و عقلانیت فنی را بر امور شهری در مسیر سرمایه‌داری اعمال می‌کرد. برنامه‌ریزان طرح‌هایی سراسری را ارائه می‌کردند و به اجرا درمی‌آورند که کاربری اراضی را در مسیر هدف‌های کارکردی جرح و تعدیل می‌کرد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی انتقاد نسبت به برنامه ریزی و نظریه‌های پایه آن به ویژه در انگلستان شدّت گرفت. در دو دهه‌ی هفتاد و هشتاد میلادی، «مرزهای یقین» دچار انحلال شدند. مفاهیم شهروندی فعال و مشارکت عمومی از نو متولد گشته و تعابیر تازای از دموکراسی پیدا شده است که مفهوم دموکراسی فراگیر را جانشین دموکراسی نمایندگی می‌کند. در عرصه سیاست‌گذاری عمومی چه در فرایند تصمیم‌گیری و چه در زمینه نتایج این تصمیم‌ها، سرخوردگی روزافزونی به چشم می‌خورد. برنامه‌ریزان آماج اعتراض‌هایی قرار گرفته‌اند. بنابراین عرصه ی نظریه ی برنامه ریزی در یک بن بست از رویکردهای عقلانی ـ جامع پیشین برنامه ریزی، متوقف شده بود. رویکردهای گذشته، برآمده از تفکر اثبات باوری، واجد ویژگی هایی چون فرم باوری، کارکردباوری، نخبه باوری و تحمیل فرآیند از بالا به پایین بودند. این امر موجب پیگیری اندیشمندان امر برنامه ریزی شهری برای نظریه ها و رهیافت‌های نوین شد. گرایش به اخذ مشارکت مردمی در برنامه ریزی به همراه انتقادات شدید از نظام سیاسی ـ اقتصادی لیبرالیستی و نئوکلاسیک سبب شد تا توجه برنامه ریزان به برنامه ریزی گفتمانی جلب شود. نظریه‌پردازان سیاسی حمله‌ای مستقیم و همه جانبه را بر ضد دریافت‌های رایج نظریه لیبرال دموکراسی به راه انداخته‌اند. این نظریه‌پردازان اظهار داشتند که ساختار سلسله مراتبی لیبرال دموکراسی بخش اعظم مردم را از فرایندهای سیاسی (به ویژه رأی دادن در انتخابات محلی) بیرون گذاشته است و به پیدایش سیاست‌هایی منتهی گشته که فقط به نفع اقلیت نخبگان است. گرایش عمده‌ی کار برنامه‌ریزی آن بود که بتواند به نوعی نقش میانجی را بین مشارکت کنندگان در فرایند تصمیم‌گیری ایفا کند که متضمن گفتگو توضیح دادن و گوش سپردن به قصه‌ها و انتخاب‌های کثیر گوناگون است؛ بدین ترتیب برنامه ریزی ارتباطی به مهم‌ترین نظریه‌ی برنامه ریزی از دهه‌ی هشتاد به بعد بدل گشت. محلات شهری به عنوان کوچکترین مقیاس در سطح شهر می توانند با این رویکرد مورد مداخله قرار گیرند.

روش تحقیق

هسته زیربنایی هر تحقیقی روش آن است. هر تحقیق را بر اساس هدفی که دنبال می‌کند می‌توان به سه دسته «بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای» تقسیم کرد. همچنین در علوم مختلف از روش‌های متفاوت برای مطالعه و بررسی استفاده می‌شود تا شناخت موضوع تحت بررسی را ممکن گرداند؛ تقسیم‌بندی این روش‌ها گوناگون بوده و شامل روش تاریخی[1] ، روش توصیفی[2] ، روش تجربی حقیقی[3] ، روش همبستگی و همخوانی[4] ، روش علمی یا پس از وقوع[5] و روش موردی و زمینه‌ای [6] می‌باشد. در تحقیق حاضر در بخش نظری با استفاده از روش‌های اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و منابع اینترنتی، تجربه‌های جهانی پرداخته و در بخش کاربردی نیز به منظور شناسایی مشکلات ،بیانیه مشکلات و روابط میان کنشگران از روش‌های میدانی شامل مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه و... استفاده شده است. در پژوهش حاضر، محله سهرابیه کرج به عنوان محدوده ی مطالعاتی است. این محلّه یک محله مسکونی است و با دربرگرفتن

1. Historical Research Method
2. Descrptive Research Method
3. True Experimental Research Method
4. Correlational or Associational Research Method
5. Causal or Expost Facto Research Method
6. Case and Field study Research Method

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

سـکونتگاه غیررسـمی حاشـیه رودخانـه، مشـکلات حقـوق مالکیـت زمیـن و از ایـن قبیـل مشـکلات، با چالشـهای فراوانی در رشـد، توسعه دسـت به گریبان بوده اسـت.

پیشینه تحقیق

با توجه به گرایش برنامه ریزی به مشارکت و دموکراسی که از دهه ۷۰ میلادی در اروپا بروزی ویژه داشت، این نظریه عمل ارتباطی هابرماس، متفکر آلمانی و از سرشناسان مکتب انتقادی فرانکفورت، بود که مورد توجه اندیشمندان عرصه برنامه ریزی قرار گرفت تا بتواند نقش نظریه زیرکار برنامه ریزی را ایفا کند. در دهه ی ۱۹۸۰ میلادی، جان فورستر پیشنهاد نمود که نظریه ی انتقادی نقش مهمی در پراکسیس[۷] برنامه ریزی شهری و منطقه ای و سایست گذاری عمومی دارد؛ زیرا مسیر جدیدی را برای عمل تشخیص[۸] (کاری که برنامه ریز انجام می دهد) به جای مسیر سختی که تنها وسیله رسیدن به یک انتها (عمل ابزاری) بود، پیشنهاد می دهد: مسیر عمل ارتباطی که به شکل‌دهی افکار خواهد پرداخت. در واقع چنین پژوهش هایی در اواسط دهه ۱۹۸۰ با نظرات عمل باورانه انتقادی جان فورستر، ساخت اجتماعی شاخص‌های جودیث اینز[۹] و در تحقیقات پاتسی هیلی بر تمرین‌های اجرای سیاست با شکل جدید ارتباطی یا مشارکت در نظریه ی برنامه ریزی، آغاز شد. مباحث فلسفی و فکری دیگری چون عمل باوری آمریکایی که «جان دیویی»[۱۰] و «ریچارد رورتی»[۱۱] عرضه داشته بودند و یا چشم انداز قدرتی که «میشل فوکو»[۱۲] ترسیم می نمود و همچنین مباحث فکری «پسااثبات‌باوری»[۱۳] از جمله مواردی بوده اند که در ارتقا برنامه ریزی ارتباطی نقش داشته اند. افرادی چون جان فورستر، پاتسی هیلی، جین هیلیر و جان فریدمن که از برنامه ریزان به نام معاصر به شمار می آیند، در جهت بسط نظریات مطرح شده در عرصه ی فلسفی و اجتماعی به دانش برنامه ریزی، بسیار کوشیده اند. آنچه که همگی به عنوان اصل پذیرفته اند این است که: شناخت و کنش در عرصه ی برنامه ریزی و طرّاحی، باید به شیوه ی عقلانیت ارتباطی و تلاش بین الاذهانی در مفاهمه ی متقابل میان اعضاء اجتماع صورت پذیرد و از اصول منطق و شناخت تجربی که به شکل علمی سازماندهی شده اند، پشتیبانی می نماید. تأکید این نوع از برنامه ریزی بیشتر بر فرآیند است تا محتوا. به عبارتی این نوع برنامه ریزی که طی یک فرآیند ارتباطی صحیح و به دور از سلطه، به نتیجه و محتوای قابل قبول هم می‌انجامد.

تبیین جایگاه برنامه ریزی ارتباطی در توسعه شهری

گسترش مشارکت و چرخش ارتباطی در برنامه ریزی

میراث قرن نوزدهم ما ترک دووجهی از خرد و دموکراسی بود. خرد به معنای اتکاء بر ظرفیت ذهن در درک فرایندهای نظامند طبیعت و جامعه، و ارائه آن به شکلی ملموس بود. دموکراسی به معنای اتکاء بر توانایی افرادآدمی در خودگردانی است. میراث مذکور در مجموع بر ظرفیت تعقل نزد همه دلالت دارد (فریدمن، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در دو دهه‌ی هفتاد و هشتاد میلادی، «مرزهای یقین» دچار انحلال شدند. فوردیسم جای خود را به ساختارهای منعطف تازه‌ای در کار و سرمایه داد. دولت- ملت‌ها تحول یافته و تجدید ساختار شدند و جهانی شدن سرمایه، سرعت روزافزونی گرفت. نویسندگان فرانسوی و آلمانی به لحاظ فلسفی سلطه ارزش‌های مدرنیستی علم و عقل را مورد چالش قرار داداند (هیلیر، ۱۳۸۸، ص ١٤).

یورگن هابرماس نشان داده است که چگونه راهبرد تکنوکراتیک (فن سالارانه) در تصمیم‌گیری به تصمیماتی مشروعیت علمی داده است که غالباً در مشاوره‌های باز و عمومی منجر به اجماع نمی‌شوند. مخالفت او با چنین رویه‌ای معطوف به احیای حوزه عمومی به شیوه‌ای است که حاوی گفتگوهای ارتباطی باشد و زمینه را برای نوعی عقیده‌سازی که به تصمیم‌گیری‌های اجماعی منجر گردد فراهم کند. شیوه‌ای بسیار پیشرفته تر از شیوه‌های دموکراسی و مشارکتی موجود (رجوع شود به هیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۵ و ویک لاند، ۲۰۰۵).

از اواسط دهه ۱۹۸۰مورد توجه قرار گرفتن نظریه

7. Praxis
8. Understanding action
9. Judith Innes
10. John Dewey(1859--1952)
11. Richard Rorty(1931-- 2007)
12. Foucault
13. Post-Positivism

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

هابرماس و تلاش برنامه ریزی برای یافتن افق‌های وسیع‌تر در نظر و عمل، سبب گشت تا این نظریه با عنوان برنامه ریزی ارتباطی و همچنین موارد مشابهی چون برنامه‌ریزی همکارانه[14] و یا برنامه‌ریزی مباحثه ای[15] مطرح شود (شفیعی و خیابانی، ۱۳۹۰. همچنین رجوع شود به فلیوبجرگ و ریچاردسون، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

برنامه ریزی از دید فریدمن همان سیاستگزاری است، هرچند این نکته به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است. این باور الزامات صوری و محتوایی با خود به همراه دارد: برنامه ریزی کنشی سیاسی است و انجام آن در فقدان حضور صاحبان منافع، مفهوم سیاسی خود را از دست داده و از گفتمان برنامه خارج می شود. دوم، برنامه ریزی به مفهوم اعم و اخص کلمه (برنامه‌ریزی شهری)، خارج از گفتمان مهندسی قرار دارد. الزام اصلی گزاره دوم به این معنا اشاره دارد که کنش برنامه ریزی را نمی–توان از بیرون (از ذهن تکنیسینها) بر جامعه تحمیل کرد. نکته‌ای که با توسل به زبان فریدمن در ارجاع به تکثر منافع و تفاوت جغرافیای تاریخی، برنامه ریزی برای تفاوت تعبیر می شود. سوم، برنامه ریزی، متاخر به جامعه سیاسی است. مراد نویسنده از جامعه سیاسی چیزی شبیه جامعه مدنی و حوزه عمومی است. چهارم، هدف برنامه ریزی ارتقاء سعادت، دموکراسی و رفاه انسان هاست، دستور کاری که از پلیس‌های یونان باستان تا کلانشهرهای غول پیکر امروزین بر شدت و اهمیت آن افزوده شده است. پنجم، موضوع بسیار حاد و تعیین کننده شناخت و یا به عبارت دقیق، منبع شناخت برای مداخله است. به زعم فریدمن شناخت در سیاستگزاری و یا برنامه ریزی، ما به ازاء بیرونی ندارد. شناخت از حضور بازیگران در تدوین سیاست و از دیالوگ آنها (چانه‌زنی، مذاکره و در نهایت مصالحه برای انجام عملی خاص) نشات می گیرد. موضوع شناخت در برنامه ریزی، به هزینه ها و منافع مداخله محدود است (فریدمن، ۱۳۸۷، ص ۹).

تشریح نظریه ارتباطی هابرماس

گرایش به اخذ مشارکت مردمی در برنامه ریزی به همراه انتقادات شدید از نظام سیاسی ـ اقتصادی لیبرالیستی و نیوکلاسیک سبب شد تا توجه برنامه ریزان به برنامه ارتباطی جلب شود. نظریه‌پردازان سیاسی حمله‌ای مستقیم و همه جانبه را بر ضد دریافت‌های رایج نظریه لیبرال دموکراسی به راه انداخته‌اند. این نظریه‌پردازان اظهار داشتند که ساختار سلسله مراتبی لیبرال دموکراسی بخش اعظم مردم را از فرایندهای سیاسی (به ویژه رأی دادن در انتخابات محلی) بیرون گذاشته است و به پیدایش سیاست‌هایی منتهی گشته که فقط به نفع اقلیت نخبگان است. این نظریه عمل ارتباطی هابرماس، متفکر آلمانی و از سرشناسان مکتب انتقادی فرانکفورت بود که مورد توجه اندیشمندان عرصه برنامه ریزی قرار گرفت تا بتواند نقش برنامه ریز را به عنوان میانجی ایفا کند (رجوع شود به، آلماندینگر، ۱۳۸۷، ص ۲۱ و دانشپور، ۱۳۸۸، ص ٤١١ و ایننز، ۱۹۹۵). مورد توجه قرار گرفتن نظریه هابرماس و تلاش برنامه ریزی برای یافتن افق‌های وسیع تر در نظر و عمل، سبب گشت تا این نظریه با عنوان برنامه ریزی ارتباطی و همچنین موارد مشابهی چون «برنامه ریزی همکارانه»[16] و یا «برنامه ریزی مباحثه‌ای»[17] مطرح شود (هیلیر، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

مهم ترین نظریه‌ای که موجب شکل گیری نظریه برنامه ریزی ارتباطی گشت، نظریه عمل ارتباطی هابرماس بود. هابرماس از چهره‌های شناخته‌شده مکتب انتقادی فرانکفورت است. وی در تداوم زمینه فکری مارکسیسم و به عنوان یکی از پیروان از شیوه فکری نیومارکسیسم یا چپ جدید سعی در بازشناسی خلل و فرج نظام سرمایه‌داری داشت تا بتواند به ارائه راهکارهایی جهت برون رفت از این وضعیت بپردازد. بنابراین ریشه اصلی نظریه ارتباطی در برنامه ریزی را باید تفکرات مارکسیسم دانست که در طول زمان توسط اندیشمندان مورد بازنگری و فرابینی واقع شده است (لاجوردی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

جان دیویی دموکراسی را در گرو برقراری برابری افراد می دانست. در نظر وی هیچ فرد و گروهی بدون رضایت دیگران نمی تواند بر آنان حکومت و مدیریت کند. از نظر دیویی گفت و گوی عمومی اذهان را پرورش می دهد و آماده زندگی جمعی می کند. دموکراسی مطلوب در این تفکر، مستلزم مهندسی

14. Collaborative Planning
15. Argumentative Planning

16. Collaborative Planning
17. Argumentative Planning

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

اجتماعی، به معنای برنامه ریزی به نفع عموم، است. اقتصاد بازار آزاد و همچنین نظام‌های کمونیسم و فاشیسم، با دموکراسی متناسب نیستند. بر این اساس جامعه ی مطلوب جامعه‌ی دموکرات است، جامعه ای که به طور مداوم در حال بحث آزاد و جستن راه حل است. به عبارت دیگر جامعه مطلوب پیوسته در حال برنامه‌ریزی است. بر خلاف نظام اقتصاد بازار آزاد که فاقد این امر و نظام‌های کمونیستی و فاشیستی که برنامه ریزی یک بار برای همیشه و محصول عقاید فکری عده‌ای خاص از کلیت مردم است. از این منظر، علم به عنوان شیوه آزمایش عقاید و نظرها، یار دموکراسی خواهد بود (بشیریه، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

هابرماس به شناخت بحران هایی که در نظام سرمایه داری رخ خواهد داد می پردازد و بحرانی را تحت عنوان بحران مشروعیت (مشروعیت دولت و نظام در نزد مردم) مطرح می کند که سخت ترین بحران این نظام خواهد بود. وی جهت بازنمایی سیستم بحران و ارایه راهکار برون رفت خود معتقد به بازسازی و ادامه روند عقلانیت مدرنیته است. هابرماس به نفی عقلانیت مدرنیته نمی پردازد بلکه با تبیین دوگونه از عقلانیت با عنوان‌های عقلانیت ابزاری و عقلانیت فرهنگی، معتقد است که نظام سرمایه داری تاکنون عقلانیت ابزاری را مدّنظر خود داشته که منجر به «وسیله شدن» تمامی ابعاد زندگی آدمی گشته است. این عقلانیت ابزاری بر عقلانیت فرهنگی که می تواند نمایشگر خواست‌های راستین بشر باشد، غلبه داشته است (لاجوردی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). هابرماس در جستجوی یافتن مدلی است که عقلانیت ابزاری که اقتصاد دانان لیبرال به وسیله آن دچار اسارت شدند را اصلاح کند. هابرماس، پس رفت زندگی اجتماعی به سمت فردگرایی اگزیستانسیالیسم را که در آن هر یک از ما توجهاتمان را متمرکز بر تصور کردن حیات روزانه و تفریحاتمان می کنیم، رد کرده است. هوشیاری ما به شکل اجتماعی و در عمل متقابل شکل می گیرد (هیلی، ۱۹۹۷، ص ۹۵). هابرماس تاکید دارد که در عمل ارتباطی، می توان جامعه ـ زبان را تنها بر پایه اعتماد تشکیل داد نه برپایه قدرت. بر همین اساس در مفهوم زیست جهان با نوعی سیستم خودسامان روبرو هستیم که در آن فرایند پویای تکامل اجتماعی رخ می دهد (کهون، ۱۳۸۱، ص ۷۸)؛ در واقع یک نظام اجتماعی همه گیر و دموکراتیک موجود است که هدف آن نه دست یافتن به سلطه که رسیدن به توافق است. اخلاقیاتی که به طور ضمنی در این راه مشهود است، نوعی اخلاق روند کاری[18] است که هدف آن نحوه ی دست یافتن به یک هنجار است نه محتوای یک هنجار و راه دست یافتن به آن، بحث عقلانی آزاد است (کریب، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).

بسط نظریه ارتباطی در برنامه ریزی شهری

گرفتاری در بن بست رویکردهای پیشین برنامه ریزی به ویژه رویکردهای عقلانی جامع، و نیز میل به ارتقای جایگاه فکر و عمل برنامه ریزی شهری، سبب پیگیری اندیشمندان امر برنامه ریزی شهری برای نظریه ها و رهیافت‌های نوین شد. «جان فریدمن» در کتاب «پیگیری مجدد آمریکا: نظریه برنامه ریزی معامله‌ای» (۱۹۷۳) بر اهمیت ارتباطات بین فهم و عمل، گفتگو و آموختن تأکید کرد. وی یکی از نخستین کسانی بود که ارتباط را به عنوان یک راهکار برای برنامه ریزان مطرح کرده و به دانش اجتماعی و یادگیری متقابل در فرآیند برنامه ریزی، در مقیاسی محلّی، اعتبار بخشیده است (رجوع شود به فریدمن، ۱۳۸۸). در قالب این نظریه ها، زیست جهانی ترسیم می‌شود که در آن همه امور با گفتمان میان ذی‌مدخلان امر به پیش می رود. مردم و مسؤلان پیرامون هر مشکلی به مذاکره می پردازند و در نتیجه نیازی به تأکید بر نقش قدرت و اختلاف فرادست و فرودست وجود ندارد. بنابراین برنامه ریزی ارتباطی اذعان دارد که شناخت و کنش در عرصه ی برنامه ریزی و طرّاحی، باید به شیوه عقلانیت ارتباطی و تلاش بین الاذهانی در مفاهمه متقابل میان اعضاء اجتماع صورت پذیرد و از اصول منطق و شناخت تجربی که به شکل علمی سازماندهی شده اند، پشتیبانی می نماید. تأکید این نوع از برنامه ریزی بیشتر بر فرآیند است تا محتوا. به عبارتی معتقد است که طی یک فرآیند ارتباطی صحیح و به دور از سلطه، به نتیجه و محتوای قابل قبول هم می‌انجامد (شفیعی و خیابانی، ۱۱۳۹۰، ص ۱۴۳).

برنامه‌ریزی همکارانه[19] هیلی: هیلی برنامه‌ریزی فضایی را به مثابه‌ی فرآیندی برای شناخت و توجه جمعی و تعاملی به چگونگی کنش به لحاظ علایق مشترک درباره‌ی اندازه و چگونگی مدیریت تحولات

18. Procedural Ethic
19. Colaborative Planning

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

محیطی می‌داند. در یک تعریف دقیق، پتسی هیلی اظهار می‌دارد که برنامه‌ریزی همکارانه، نوعی از نگرش به برنامه ریزی است به دلیل اهمیت مناطق شهری در سیاست‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی، همچنین چگونگی سازماندهی جوامع سیاسی به بهسازی کیفیت مکان می‌پردازد. الگوی برنامه‌ریزی همکارانه‌ی هیلی الگویی همه جانبه است و مجموعه‌ای از عناوین مرتبط با مباحث معاصر در زمینه ی حرفه و تخصص برنامه‌ریزی را به هم پیوند می‌دهد این عناوین شامل ایده جوامع محلی؛ مناسبات قدرت؛ بازسازی اقتصاد جهانی و اثرات منطقه‌ای آن زیست محیطی‌گرایی؛ فرهنگ و نظام‌های حکومتی؛ ساختار نهادی؛ کنترل فن سالارانه و ماهیت تخصص؛ میانجیگری و رفع تعارض؛ و برنامه‌ریزی فضایی می‌باشد. هدف و مقصد هیلی از این نوع برنامه‌ریزی، جهت‌گیری اکیداً عملی آن است و به وضوح ذیل پرسش «چگونه جوامع سیاسی برای بهبود فضای زندگی سازماندهی می‌شوند؟» بسط می‌یابد. این رویکرد معطوف به شبکه مردم فعال به مثابه کارگزارانی است که فرایندهای تغییر و تحول را شکل می‌دهند. رویکرد نهادگرایانه ریشه فرایندهای حکمرانی را در مناسبات گسترده‌تر فعالیت‌های اقتصادی و جامعه مدنی جستجو می‌کند (هیلی، ۱۹۹۷).

از نظر هیلی، نمی‌توان مجموعه‌ی وظایف برنامه‌ریز را از قبل تعریف نمود؛ زیرا این وظایف می‌باید به شکل خاص کشف، آموزش و از طریق فرآیندهای ارتباط متقابل درک شوند. این همان نکته ایست که رهیافت ارتباطی در خصوص تولید دانش شناخت شرایط علت و معلول ارزش‌های اخلاقی و جهان‌های زیباشناختی تاکید می‌ورزد که دانش از پیش تدوین نمی‌شود بلکه به شکلی خاص و مجدد در گفتگوی ما از طریق دریافت‌های حسی مفاهمه و استمداد از موجودی تجارب زندگی و معرفت اخلاقی و فرهنگی که از قبل استقرار یافته و در دسترس دست‌اندرکاران می‌باشد خلق می‌شود (هریس، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

برنامه ریزی سنجشی[20] فورستر: در دهه ۱۹۸۰ میلادی، جان فورستر پیشنهاد نمود که نظریه انتقادی نقش مهمی در عمل[21] برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و سیاست گذاری عمومی دارد. فورستر ابراز می دارد که برنامه ریزی در ذات خود ارتباطی، تبیینی، اطلاع رسان و پیشنهاد دهنده است. نظریه‌پردازی معطوف به عمل برای فورستر از این رو اهمیت دارد که هدف او این است تا نشان دهد که چگونه عمل بصیرانه می‌تواند به نظریه‌ای مستحکم‌تر و عمیق‌تر منجر شود. رویکرد انتقادی پراگماتیستی فورستر نشان می‌دهد که چگونه ارتباط مقامات برنامه‌ریزی از طریق صحبت کردن، گوش سپردن، پرسیدن و جواب دادن و شیوه ارتباطی طرح دعوی، دعوی متقابل، وعده دادن و پیش‌بینی کردن منجر به شکل‌گیری توجه، امیدها، و انتظارهای کنشگران می‌شود. فورستر نه تنها قابلیت و نفوذ برنامه‌ریزان را به شیوه مذکور به رسمیت می‌شناسد بلکه «کارکرد سیاسی» آنها را نیز هنگامی که به رغم قدرت کار می‌کنند مورد تأکید قرار می‌دهد (تیودور جونز، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰). اما برنامه‌ریزان برای چه کسانی فکر می‌کند با چه کسانی سخن می‌گوید؟ چنانچه برنامه‌ریزان چیزی فراتر از کنشگرانی باشند که دانش فنی را در مسایل به کار می‌برند همچنین چنانچه برنامه‌ریزان قادر باشند به عنوان کاتالیزور یا دوستان نافذ که پرسش‌ها را طرح-ریزی و چارچوب‌بندی می‌کنند و به توجه‌ها و توقع‌ها شکل می‌دهند عمل کنند در این صورت سایه قدرت وارد داستان می‌شود. فورستر در این زمینه چین می‌نویسد که ما باید از بحث و احتجاج در برنامه‌ریزی نه به عنوان موضوع گفتگو بلکه به عنوان معرفت‌شناسی و همچنین به عنوان کار سیاسی بهره ببریم (فورستر، ۱۹۹۹، ص ۹).

برنامه ریزی ارتباطی اینز: کار جودیت اینز اجماع‌سازی فرآیندی را عرضه می‌کند که در آن تمامی بازیگران و صاحبان منافع می‌توانند به توافق در خصوص برآیند مورد قبول دست یابند. اینز اظهار می-دارد که فرآیند اجماع قادر نیست ساختار ریشه‌دار موجود را متحول نموده و قدرت را از صاحبان آن در جهان واقعی دور سازد در عین حال گروه‌های پیرو اجماع سازی غالباً متعادل سازی قدرت در میز مذاکره را به واسطه الزام به توافق حداکثری پیش از اتخاذ تصمیم و از طریق قدرت بایکوت یا امتناع از توافق را هدف خود قرار می‌دهد تا مشارکت‌کنندگان به مشوقی برای یافتن راه‌حل‌های قابل قبول ترغیب شوند (اینزوبوهر، ۱۹۹۸-۱۹۹۹).

برنامه‌ریزی گفتمانی[22] هیلیر: وی معتقد به نظریه

20. Deliberative Planning
21. Praxis
22. Discursive

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

سازی در پیوند با عمل است. نظریه‌ای که هم بنیادش بر عمل باشد و هم به درک عمل و تبیین آن کمک کند. نظریه باید رابطه نزدیکی با واقعیت اجتماعی داشته باشد. وی معتقد است که با این پیش فرض که کارهای برنامه‌ریزی در حیطه سیاست دموکراتیک قرار دارند، مسأله این نیست که چگونه بتوان به اجماع عقلانی رسید بلکه این است که احساس‌ها و عواطف را بتوان به سمت قالب‌هایی از «انگاره‌های دموکراتیک» حرکت داد. وی ادامه می دهد که برنامه‌ریزی نمی‌تواند تنها در چارچوب کار برنامه‌ریزان و به صورت واقعیتی تجربی به عمل بپردازد. برنامه‌ریزی به طور اساسی با سلسله گسترده‌ای از مشارکت‌کنندگان و شبکه روابط آنها در هم تنیده است و هر یک از اینها گستره متنوعی از گفتمان‌ها، زیست جهان‌ها، ارزش‌ها، تصورات، هویت‌ها و عواطف خاص خود را دارند که وارد فرایند برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین باید در صدد کشف شیوه‌های گوناگونی برآمد که به واسطه آن ها چه بسا ارزش‌ها و ذهنیت‌های متفاوتی بر حاصل برنامه‌ریزی تاثیر بگذارد و به ساختار قدرت در سطح سیستم متصل شوند. در نظریه‌ی هیلیر، بر نقش ارتباط در تلاش برای پیدا کردن زمینه-های مشترک بین مشارکت کنندگان تأکید شده است و هیلیر معتقد است که اگر قرار باشد که اصل منافع متقابل به اجرا درآید لازم است کنشگران به جای اینکه یکدیگر را پشت سر بگذارند با یکدیگر گفتگو کنند. مفهوم عدالت در کارآیینی عمل در راهبردهای وفاق‌سازی نقش بنیادین دارد. کنشگران به برخورد عادلانه در فرایند عمل عادلانه احترام می‌گذارند. هیلیر، برنامه ریزی را در میان سلسله ای از اتحادها و شبکه‌های فعالیت حکمرانی می داند. در تعریف وی، شبکه ها، زنجیره هایی پیوندی هستند که از طریق آن ها مردم می توانند به منابع مادی و دانش و قدرت دست یابند. ظرفیت ها و سرمایه‌های نهادی ای که توسط چنین شبکه هایی تولید می‌شود، شامل توان‌های جمعی، ارتباطات، اتحادها و ائتلاف‌های کنشگران است که متاثر از زمینه ها و عرصه هایی که این کنشگران دور هم آمده اند می باشند. وی معتقد است که لزوما نباید به اجماع رسید بلکه می تواند «اختلاف و منازعه» مداوم، امّا قابل مصالحه باشد (هیلیر، ۲۰۰۳، ص ۲۴۳).

قیاس رهیافت‌ها جهت بهره گیری در نمونه موردی

پژوهشگر از طریق تکنیک گرندد تئوری جهت ورود به نمونه موردی از خبرگان در خصوص رهیافت‌های بالا نظر خواهی نموده است و رهیافت ها امتیازدهی کرده است. لذا نتیجه امتیازات به شرح ذیل است:

جدول ۱. نحوه‌ی امتیازدهی رهیافت‌ها

	بهره مندی از چشمانداز فوکو	بهره مندی از چشمانداز پراگماتیسم	بهره مندی از چشمانداز پست مدرنیسم	بهره مندی از چشمانداز لیبرالیسم هایکی	توجه به مکان و جغرافیا	جمع
رهیافت همکارانهی هیلی	۲	۲	۰	۰	۵	۹
رهیافت استدلالی فورستر	۵	۵	۲	۲	۰	۱۴
رهیافت ارتباطی اینز	۲	۲	۰	۰	۲	۶
رهیافت گفتمانی هیلیر	۵	۵	۵	۰	۵	۲۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بر این اساس رهیافت هیلیر بیشترین امتیاز را می گیرد. هیلیر معتقد است که ارزیابی هابرماسی از برنامه‌ریزی، ظرفیت‌های ارتباطی را در نقش برنامه‌ریزان تشخیص می‌دهد و بر آن مبنا عمل می‌کند. رویکرد هابرماسی می‌کوشد عناصر راهبردی یا ابزاری مضبوط در «شرح وظایف» مذکور را به عناصر عملی- ارتباطی تغییر دهد لذا تبدیل‌هایی را که در ادامه ذکر می‌گردد انجام می‌دهد.

جدول ۲. تفاوت و تبدیل امور برنامه‌ریزی سنتی به برنامه‌ریزی ارتباطی؛ مأخذ: هیلیر، ۱۳۸۸، صص ۶۲-۶۱

امور برنامه‌ریزی سنتی		امور برنامه ریزی ارتباطی
پردازش اطلاعات	به	شکل دادن توجه
مسأله گشایی	به	صورت بندی مجدد مسائل
تلاش به سوی عینیت بیشتر	به	تلاش به سوی نقد جانبداری و سوء تفاهم
جمع آوری فاکت‌ها	به	جلب توجه به مسائل: جمع آور فاکت‌های مهم
برخورد با مشارکت به عنوان یکی از سرچشمه‌های اطلاعات	به	برخورد با مشارکت به عنوان فرصتی برای اصلاح
اعلان تصمیمات	به	جلب توجه برای صورت بندی امکانات و روشن کردن آنها
عرضه محصولی واحد و سندی با پاسخ‌های حاضر و آماده	به	ایجاد فرایند طرح پرسش و شکل دادن به پاسخ‌ها
تحکیم وابستگی سیاسی اشخاص ذی مدخل در تصویب راه حل‌ها	به	تقویت مشارکت سیاسی معنادار و خودآیینی تقویت نقد سیاست‌ها و طرح‌ها، استدلال‌ها و گفت و گوی سیاسی
کناره جویی از روابط اجتماعی را	به	باز تولید مناسبات اجتماعی و سیاسی

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

برنامه ریزی باید منعطف، تفهمی و تعاملی باشد. تعامل مستلزم آن است که شبکه افراد مختلف و سازمان‌های گوناگون با یکدیگر وارد بحث و مذاکره شوند؛ هر گروهی گفتمان و دانش و نظام معنایی خود را داشته باشد و روایت‌های خاص خود را بگوید. نقش برنامه‌ریزی باید بحث احترام آمیز درون جمع و بین جمع‌ها باشد و احترام متضمن به رسمیت شناختن، ارزش قائل شدن و گوش دادن به استدلال‌ها و تلاش برای یافتن امکانات مصالحه بین گفت و گوکنندگان است. اما هیلیر نیز به این نکته آگاه است که نقطه‌ی ضعف اصلی نظریه‌ی هابرماس، عدم توجه وی به قدرت است. وی می نویسد، کنشگران صاحب قدرت در پشت مشارکت کنندگان یا خود مشارکت کنندگان در حیطه ارتباط ممکن است با بزرگ کردن منافع شخصی در پوشش موضوعات عمومی با پیشنهاد امتیازهای دروغین به مخالفان و ساکت کردن آنها و با نمایش ظاهری گفتگو دیگران را فریب دهند.

جمع بندی مبانی نظری

برای بکارگیری یک نظریه و رهیافت در عرصه‌ی عمل، باید آن نظریه را فهمید. فهم یک نظریه نیازمند بررسی پایه‌های شناخت شناسانه، شرایط تاریخی بروز نظریه و نحوه‌ی گسترش و تغییر آن در طول زمان است. این تحلیل و بررسی این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان شرایط بکارگیری یک نظریه را تبیین نموده و آن را به کاربست. نظریه‌ی ارتباطی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی، برای کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم که پایه‌های اقتصادی سرمایه‌داری داشتند و تا حدی با مسأله و بحرانهای مستمر اقتصادی مواجه شده بودند، توسط نظریه‌پردازانی که بیشتر گرایش‌های چپی داشتند، ایراد گشت. جغرافیای سیاسی اقتصادی مذکور در خود پایه‌های مشارکت و جامعه‌ی مدنی را داشت و نظریه‌ی حاضر به نظر می‌رسید که اگرچه از ریشه‌های سوسیالیستی برآمده است، اما از یک جنبه فارغ از هرگونه نگرش اقتصادی است، و اتفاقا در بسیاری موارد با برخی گرایشهای لیبرالیستی، همانند لیبرالیسم هایکی، هم جهت و همراه است. بنابراین به نظر می رسد شرایط بکارگیری این نظریه در کنش و عمل، چندان به بازار محور بودن اقتصاد زمینه ارتباطی ندارد و می توان آن را با ایجاد شرایط اجتماعی خاصی در نقاط دیگر به کار بست. موقع شناسی به هنگام تصمیم گیری فی البداهه در موفقیت نقش تعیین کننده دارد. برنامه ریزان مبارز حاضرند صبر کنند تا «درها باز شود»، حتی اگر برای برخی ایده‌های بزرگ این صبر «ده سال طول بکشد.» این عناصر به همراه یکدیگر چیزی را می سازند که من در جای دیگر آن را دوراندیشی خوانده ام. دور اندیشی در عین حال متضمن قوه تمییز عملی یا چیزی است که بوردیو آن را شم‌بازی می‌خواند. هیلیر می گوید: آرزوی من این است که «با تغییر سمت به سوی شکلی از دموکراسی دو رگه در جایی از جهان نوعی از برنامه ریزی ظهور یابد که گفت و گوی شورایی را رشد دهد، نه آنکه آن را محدود کند؛ گوناگونی صدای شهروندان را تشویق کند، نه اینکه این صداها را خفه سازد؛ و منابع را هم به نیازهای اساسی سوق دهد، به جای اینکه به سمت منافع محدود خصوصی بکشاند.چنین رویکردی از مشارکت عامه برای ارائه فرصت‌های واقعی سیاسی استفاده می کند و از عرصه عمل همان چیزی را می آموزد که اهمیت دارد، نه آن چیزی که قابل بهره برداری برای مقصود خاص است.» ایران کشوری است که برای ورود برنامه ریزی گفتمانی باید مبارزه و تلاش کرد و منتظر ماند تا نتیجه کم کم حاصل شود.

تجربیات جهانی

جدول ۳. تجربیات جهانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

کشور	سیاست	برنامه‌های‌اجرایی	تامین‌مالی	مشکلات
آمریکای‌جنوبی- اکوادور	بهبود شرایط زندگی شهری با دو رویکرد ۱- بهسازی حاشیه شهرها ۲- تلاش برای آماده کردن شهرها در ۲۵ سال آینده	- بهسازی جامع - ایجاد شبکه ثانویه آب، مراکز جمع آوری پسماندهای خشک، پیاده‌روها،فضاهای سبز یا پارکها، دیوارهای محافظ، سایر امور مربوط به کاهش بلایای طبیعی ،پلهها و سطوح شیبدار عمومی و کانال کشی - مدیریت زمین شهری شامل ۳ برنامه برنامه فعالانه در پیش‌بینی گسترش شهر بهبود ظرفیتهای برنامه‌ریزی شهری افزایش دسترسی به زمین‌های قابل ارائه توسط فقرا	بانک جهانی دولت ساکنین	- فقدان دانش ، اختیارات و منابع مدیران - مشکلات تامین ، مدیریت و هرینه کردن منابع مالی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

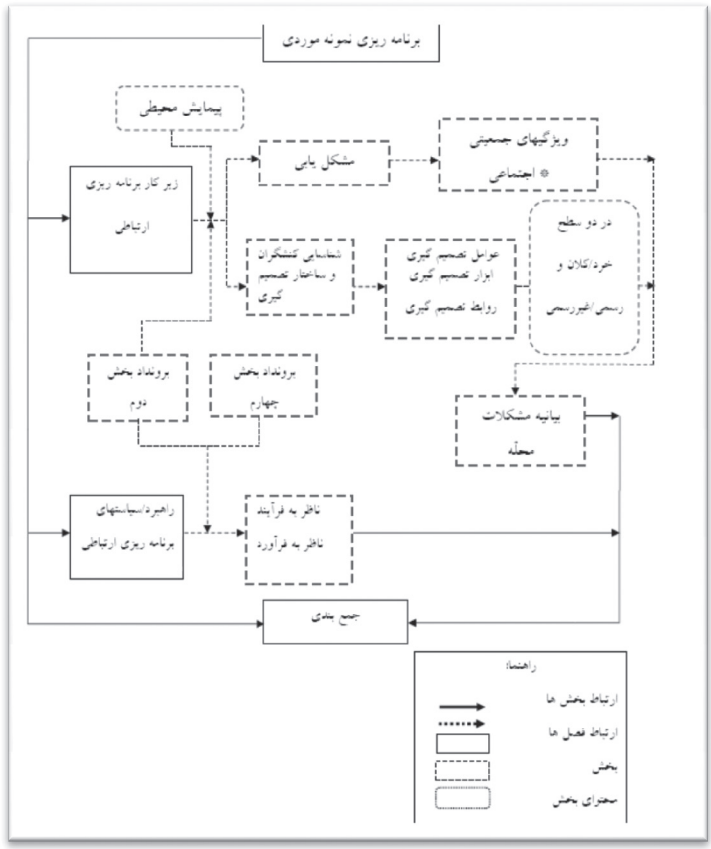
کشور	سیلست	برنامه‌های اجرایی	تامین مالی	مشکلات
مراکش	شهرهای بدون محله‌های فرودست	–برنامه تضمین درآمدهای نامنظم و کوچک – آموزش آشنایی با اعتبارات بانکی و نحوه بهره برداری از آنها – تاسیس نهادهای مالی خرد	اتحادیه اروپا بانک جهانی صندوقهای تضمین رهنی طرحهای پس انداز مسکن خدمات مالی خرد صندوق همبستگی ملی	– توان تملک مسکن پایین – واگذارشدن تقاضای گروههای کم درآمد به بخش غیر رسمی – مالکیت دولتی زمین شهری – بی انعطاف بودن مقررات توسعه شهری – بالا بودن قیمت زمین – نامناسب بودن اقتصاد کلان
مصر	توسعه شهری یکپارچه مشارکت محلی در تصمیم گیری، برنامه ریزی و مدیریت تمرکز زدایی و توسعه امکانات نهادی ظرفیت سازی در دولتهای محلی	ترویج فعالیتهای کوچک و صنایع دستی مدیریت دفع زباله های جامد بهسازی کالبدی بهسازی نماها آسفالت خیابانها و درختکاری جمع آوری زباله احداث اماکنی برای گردهمایی و زمین بازی برای کودکان	هبیتلت بانک جهانی ائتلاف شهرها چهار شرکت تامین مالی و رهنی متشکل از بانکهای خصوصی و دولتی	– فقدان دسترسی رسمی تهیدستان شهری به زمین – سیاستهای ناموفق دولت در بخش مسکن – مراحل طولانی و دشوار تفکیک زمین و دریافت پروانه ساختمان – کنترل ضعیف دولت بر زمین – قوانین و مقررات نامناسب مربوط به برنامه‌ریزی ساخت و ساز اعمال ضعیف قوانین و مقررات توسط دولتهای محلی
هند	سیاستهای متنوع براساس راهبرد توسعه جامع شهری برنامه اصلاحات شهری ملی جواهر لعل نهرو	–برنامه ملی توسعه سکونتگاههای غیر رسمی – کمکهای بلاعوض مرکزی و ایالتی –برنامه شهری اشرایا –برنامه مایتری –برنامه بها و ناشری	۹۰٪از منابع داخلی شامل بودجه دولتهای مرکزی ،ایالتی و ارگانهای شهری صندوق انگیزه بخش اصلاح شهری صندوق چالش شهری صندوق تامین مالی تاسیسات زیر ساختی ۱۰٪از منابع خارجی شامل بانک جهانی بانک توسعه آسیا سازمان بهداشت جهانی ائتلاف شهرها دولتهای هلند و آلمان	– گسترده بودن مقیاس اسکان غیر رسمی – ناپایدار بودن چارچوب تامین مالی – فقدان دانش،اختیارات و منابع در میان مدیران شهری – همپوشانی حوزه های مختلف فعالیتهای ملی،ایالتی و محلی – مشکلات اقتصادی کلان و رشد ناموزن شهری

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

برنامه ریزی نمونه موردی

شایان ذکر است مطالب ارائه شده در این بخش برگرفته از مطالعات مهندسین مشاور باوند و پرداراز شامل گزارش‌های ارائه شده به ستاد ملی توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی وزارت مسکن و شهرسازی با عنوان «ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن ها با تاکید بر بهسازی شهری» و همچنین برداشت‌های میدانی پژوهشگر، پرسشنامه و مصاحبه می باشد.



معرّفی محلّه سهرابیه

محله سهرابیه با مساحتی در حدود ۳۳ هکتار در حاشیه غربی شهر کرج، خارج از محدوده شهر و نزدیک به آن واقع شده است. جاده قزلحصار از سمت شرقی این محله عبور می‌کند که ارتباط محله سهرابیه با شهر کرج (حصارک) توسط آن برقرار می شود. محله سهرابیه در حاشیه غربی کرج و در خارج از محدوده قانونی آن واقع شده است. این محله دارای بافتی تقریبا منظم و شطرنجی ولی پراکنده می باشد. شکل منظم هندسی (الگوی شطرنجی) در این محله به علت نوع تفکیک زمینهای کشاورزی می باشد. امکان توسعه برای این محله در تمامی جهات با توجه به وجود زمینهای کشاورزی و شیب مناسب وجود دارد. روند عمومی گسترش شهر نیز به سمت غرب بوده است. و پیش بینی می شود که در آینده ای نزدیک نیز این محله به همراه اختر آباد و ملک آباد به شهر متصل شوند. بر پایه اطلاعات به دست آمده از سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، جمعیت این محله برابر با ۵۲۴۷ نفر می باشد که کمتر از ۰/٤ درصد از جمعیت کل شهر کرج را شامل می شود. شاخصهایی که

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

به منظور بررسی وضعیت مهاجرت در پیمایش خانوار در محله مورد بررسی مورد توجه قرار گرفته بود عبارت از زادگاه سرپرست خانوار، زمان مهاجرت و علت مهاجرت می باشد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که سهم مهاجرین در محله سهرابه ۹۷/۵ درصد می باشد. بررسی علت عمده مهاجرت حاکی از آن است که جستجوی کار یکی از مهمترین علل مهاجرت به این سکونتگاهها بوده است. بیشتر ساکنین ترک در این محله از دو منطقه روستاهای اطراف زنجان و هشترود می باشند. مرز بندی های مشخصی بین این دو گروه در محله وجود دارد، به طوری که در تجارب عمل جمعی هر دو گروه کاملاً مجزا از هم عمل می کنند. در این محله دو مسجد وجود دارد که مسجد امام محمدتقی (ع) با مشارکت زنجانی ها ساخته شده و مسجد صاحب الزمان (عج) با مشارکت هشترودی ها ساخته شده است.

جدول ٤. اقوام مهاجر در محلّه؛ مأخذ: مهندسین مشاور پرداراز، نتایج پیمایش خانوار، ۱۳۸۷

قومیت	ترک	کرد	لر	عرب	فارس	گیلکی	مازندرانی	بلوچ	افغان	سایر	جمع
سهرابیه	۷٦	۱۱	۰/۷	۰	۸	۱/۵	۰/۷	۱/۵	۰	۰/۷	۱۰۰

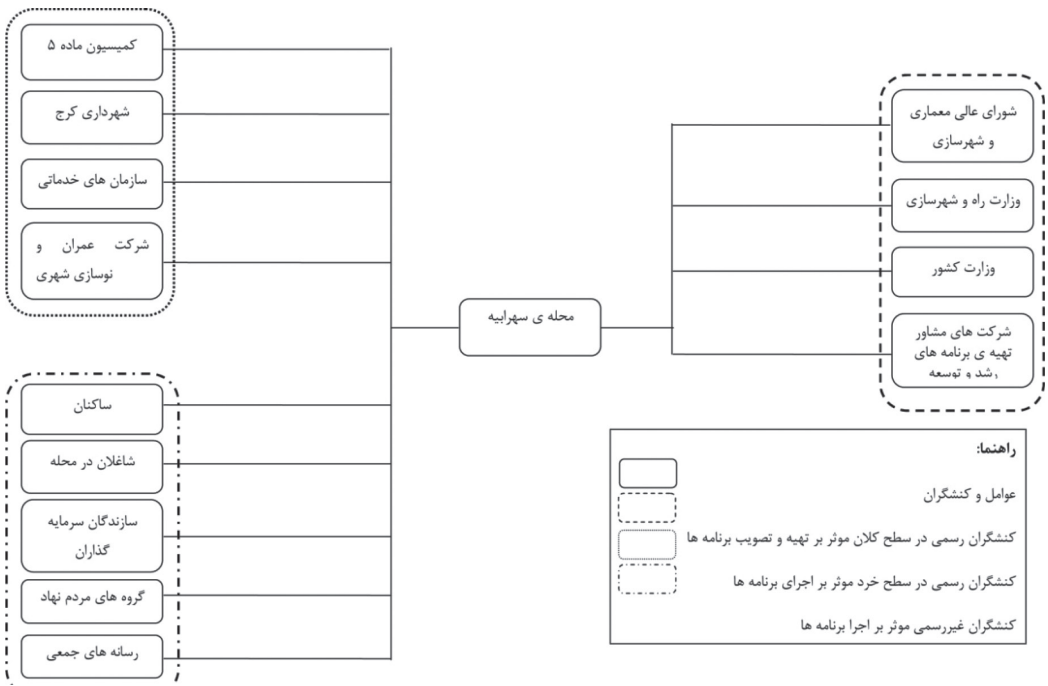
وضعیت کاربری اراضی در این محله نشان از کمبود شدید کاربریهای خدماتی در محله دارد به طوری که از کل مساحت محله، کمتر از ۱/۵ هکتار آن (معادل ٤/٥٧ درصد) به کاربریهای خدماتی اختصاص دارد. این کاربریها شامل یک دبستان، یک کودکستان، ۳ مرکز مذهبی، یک مرکز ترک اعتیاد و واحدهای تجاری خرد در سطح محله می شود. اسکان غیررسمی سهرابیه، در خارج از محدوده قانونی شهر کرج و مزارع غربی شهر کرج به علت زمین ارزان و نزدیکی به کارخانجات و صنایع حاشیه جاده قزل حصار شکل یافته است. سرعت رشد و شکل گیری آن یک مرتبه و بسیار سریع بوده است. نکته جالب در مورد این اسکان جدا افتادگی آن از بافت کالبدی محدوده قانونی شهر کرج و بافت پیوسته شهری است. از نظر اندازه، متوسط اندازه بلوک ها نسبت به سایر بلوک های شهری ریزدانه است. شکل و فرم بلوک ها نیز معمولا مستطیل شکل است. یعنی بلوک های موجود در بافت سهرابیه شکل منظم هندسی دارند. ولی تناسبات موجود درطول وعرض بلوک ها نسبت به همدیگر بسیار متفاوت است. بلوک ها اشکال منظم متفاوتی نسبت به هم دارند. جهت گیری غالب بلوک‌های بافت نیز در راستای شمال شرقی، جنوب غربی است. این جهت گیری به علت قرارگیری بافت کالبدی سهرابیه برروی زمین‌های کشاورزی است که در هنگام تفکیک این گونه جهت گیری شده اند. نکته قابل توجه این است که اگرچه مجموعه اسکان غیررسمی سهرابیه ساخت بافت خودرو شطرنجی منظم است. و در نتیجه بلوک ها دارای نظم هندسی هستند. ولی به علت نبود طراحی در هنگام شکل گیری بافت آن در مقیاس بلوک های شهری، دارای نظم در ابعاد، تناسبات و کشیدگی نیستند. تنوع کاربریها در محله های غیررسمی از جمله محله سهرابیه نسبتاً پایین است. تبعاً این وضعیت عدم گونه گونی فعالیتها و عدم رونق اقتصادی و متعاقباً اجتماعی- فرهنگی را درپی دارد. علت این امر ضرورت تامین نیاز سکونت در نظر سازندگان و ساکنان این گونه بافتها می‌باشد که موجب اولویت یافتن سکونت بر سایر نیازها و تامین حداقل‌های زندگی بدون برنامه گردیده است. این پدیده اقتصادی- اجتماعی خود آبشخوری اقتصادی اجتماعی از جریانهای مهاجرتی دارد که در نظام کاربری زمین نیز تبلور یافته است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

زمینه	نقاط قوت (STRENGHTS)	نقاط ضعف (WEAKNESS)	فرصتها (OPPORTUNITIES)	تهدیدها (THREATS)
جمعیتی- اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و مدیریت شهری	- جوان بودن جمعیت (۳۴ ٪ زیر ۱۴ سال) - حضور معتمدین پذیرفته شده - تجربه عمل جمعی برای حل مشکلات - برخورداری از خدمات تاسیساتی (آبه، برق، گاز) - همگنی اجتماعی فرهنگی - آمادگی برای مشارکت مالی در اجرای پروژه ها - مشارکت زنان در امور محله - وجود زنان معتمد در بین ساکنین محله - توان تشکل یابی در قالب فعالیتهای مذهبی(هیات های مذهبی) - تمایل برای مشارکت در بهسازی محله و بهداشت آن - وجود نیروی کار ساده ونیمه ماهر برای کمک در پروژه های بهسازی - بار تکفل مطابق با نقاط شهری شهرستان کرج - سهم قابل توجه کارفرمایان بخش خصوصی - سهم بالای شاغلین در گروه کارکنان خدماتی و فروشندگان - فراهم بودن زمینه اشتغال و فعالیت در خود محله - یکنواختی و همگنی نسبی درآمد خانوارها (ضریب جینی ۲۶ درصد) - سنددار بودن درصد کمی از واحدهای مسکونی - بالابودن میزان مالکیت واحدهای مسکونی - وجود برخی خدمات و امکانات رفاهی چون مذهبی، درمانی، پایگاه بسیج - وجود اراضی بایر در داخل و حاشیه بافت جهت استقرار خدمات و امکانات رفاهی و ...	- تراکم بالای جمعیت (۲۲۴ نفر در هکتار) - بالا بودن نسبت جنسی (۱۰۹ ٪) -بالا بودن بعد خانوار (۱/ ۴ نفر) نسبت به شهر کرج (۶ / ۳) - کمبود افراد برخوردار از تحصیلات عالی - پائین بودن سطح تحصیلات سرپرست خانوار - درصد بالای مهاجرین بین ساکنین (۹۷/۵٪) - تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر - بالا بودن شاخص نفر در اتاق ۲/۳ نفر - عدم برخورداری کامل از خدمات زیرساختی (آسفالت، جدول کشی، روشنایی معابر و ...) - عدم برخورداری از خدمات عمومی (آموزشی، درمانی، تفریحی، فرهنگی، ورزشی و...) - سطح نازل بهداشت در محله (جمع آوری نامنظم زباله، سیستم نامناسب دفع فاضلاب و ...) - فقدان سازوکارهای لازم برای مشارکت پایدار - عدم شکل گیری شورای محله - بالا بودن فقر (بالا بودن نسبت هزینه خوراکی به غیر خوراکی ۴۴٪) - عدم برخورداری از سیستم حمل و نقل عمومی - میزان پایین رضایت از امنیت محله (۲۷/۶۶٪) - میزان پایین رضایت از بهداشت محله (۷/۶۷٪) - وجود نرخ بیکاری بالا (تقریباً دو برابر نرخ بیکاری کشور) - وجود اشتغال فصلی برای نیمی از شاغلین - اشتغال نیمی از شاغلین فصلی تنها در ۶ ماه از سال - سهم اندک مزد و حقوقگیران دولتی در میان شاغلین - ناپایداری اشتغال و درآمد - پایین بودن دارایی های سرمایه ای - پایین بودن پوشش بیمه اجتماعی (۴۲ درصد)	- تمایل مدیریت شهری به حل مشکلات محله - امکان واقع شدن در محدوده قانونی شهر کرج - وجود کمک سازمان های حمایتی البته با سهمی اندک در تأمین درآمد خانوارها	- وجود سیاست های مبتنی بر مقابله و حذف سکونتگاههای غیررسمی - تعامل منفی مدیریت شهری با سکونتگاههای غیررسمی - مهاجر پذیر بودن محله به دلیل ارزانی قیمت زمین و مسکن - مهاجرت به محله به دلیل مراوده ساکنین با مبدأ - تقاضای مواد مخدر از محل های اطراف - سکونت ناپایدار (تمایل به مهاجرت از محله به سایر محلات شهر کرج) - فقدان برنامه خدمات رسانی سازمانهای دولتی برای محله - گسترش روز افزون واحدهای جدید بدون مجوز - واقع شدن در خارج از محدوده قانونی شهر کرج - وجود موانع قانونی جهت خدمات رسانی به محله - دریافت وجوه غیررسمی توسط ماموربن دولتی (در زمینه های ساخت و ساز، رسیدگی به تخلفات و...) - تغییر غیرقانونی کاربری اراضی اطراف محله توسط مالکین زمین - شورش های شهری - فاصله زیاد این محله با مناطق اطراف و عدم دسترسی ساکنین این محله به نقاط اطراف جهت تامین نیازهای خدماتی - خطر آسیب پذیری بافت در برابر وقوع زلزله - وجود اراضی بایر و تفکیک این اراضی جهت اسکان جمعیت مهاجر

شناسایی کنشگران محلّه و ساختار تصمیم گیری در محدوده مطالعاتی

ابتدا لازم است تا مفاهیم عوامل و ابزار تصمیم گیری بررسی شوند. عوامل تصمیم گیری سازمانها، نهادها و گروههایی که قدرت تصمیم گیری یا اجرایی را دارا هستند، شامل می شود. این نهادها ممکن است رسمی یا غیررسمی باشند. ابزار تصمیم گیری قوانین و مقرراتی است که به طور رسمی به تصویب عوامل تصمیم گیری رسیده و اجرای آنها الزامی است.



[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

راهبرد/سیاستهای ناظر به فرآیند

۱. برنامه ریزان باید در طول فرآیند برنامه ریزی ارتباطی به دنبال شناخت علّتها، محدودیتها و نتایج محتوایی باشد. تعیین اهداف همراه است با تعیین مشکل.

۲. هدف اصلی برنامه ریزی ارتباطی آن است که مردم به مرور زمان قادر شوند تصمیم گیری را در سطح محلی جا بیندازند و ارتقا دهند و در برابر نهادها، فنون و گفتمانی هایی که به وسیله آنها بر آنان ستم روا داشته می شود با تکثر، گسست و پیوست، ترجیح تفاوت بر همنواختی، ترجیح اختلاف بر یگانگی و بالاخره ترجیح سازماندهی سیال بر سیستمها، مقاومت کنند و به پروراندن عمل، اندیشه و آرزوها اقدام کنند. این مهم جز با طی زمان حاصل نمی شود و باید توجه داشت که مشارکت آموختنی است. این مهم ابتدا با بسیج مردم، سپس تلاش برای تمرکززدایی و در نهایت با توانمندسازی و مقتدرسازی آنان امکان می پذیرد.

۳. شبکه سازی و مورد هدف قرار دادن گروه های مختلف اجتماعی (همانند جوانان، زنان و غیره) از زمره مهمترین فعالیت هایی است که برنامه ریز باید طی فرآیند برنامه ریزی ارتباطی به آن اقدام ورزد.

٤. باید توجه داشت که امکان به اجماع رسیدن ناچیز است، بنابراین آنچه اهمیت دارد، به رسمیت شناختن و ارزشمند داشتن اختلافها در طول فرآیند برنامه ریزی است، منتها باید این اختلافات به یک مصالحه یا نهایتا یک معامله ختم شود.

۵. خلاقیت و ابتکار بر رویه های علمی اولویت و کارآیی دارد.

٦. تلاش در ایجاد و بسط انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت.

۷. برنامه ریزان باید با شناخت کلیه ی ذیمدخلان تلاش نمایند تا یک زبان مشترک میان آنها پیدا کنند و مفاهیم پیچیده و تخصصی را به ساده ترین زبان ها ارائه نمایند.

۸. برنامه ریز باید در طی فرآیند برنامه ریزی ارتباطی و کلیه جلسات مد نظر داشته باشد که که کنشگران به چه بازی یا بازی های خاصی مشغول اند؛ و موضوع برد و باخت چیست .

۹. برنامه ریزان باید در نظر داشته باشند که وظیفه برنامه ریز این نیست که مسائل مردم را برای آنها تعریف کند و راه حل درست را برای آنها محاسبه و تعیین کند؛ بلکه این است که ظرفیت مردم را برای تعیین کردن مسائلشان افزایش دهد و همراه با آنها به جستجوی پاسخ بپردازد.

دستاوردهای پژوهش در محله سهرابیه

- باید توجه داشت که مهمترین تفاوت برنامه ریزی ارتباطی با برنامه‌ریزی مشارکتی یا برنامه-ریزی اجتماع محور این امر است که آن گونه های برنامه ریزی فرآورده گرا هستند و روششان مبتنی بر اخذ مشارکت مردم است حال آنکه برنامه ریزی ارتباطی فرآیندگراست و تلاش دارد تا یک نظام پویا ایجاد نماید. از سوی دیگر برنامه ریزی مشارکتی، به ویژه در ایران، مشارکت را به یک ابزار تقلیل می دهد و آن را در حد پر کردن پرسشنامه یا اطلاع مردم از برنامه پس از تصویب (کمی کمتر یا بیشتر) نگاه می دارد. حال آنکه سنت هابرماسی می تواند این عمل را از یک عمل تکنیکی به جایگاه واقعی آن ارتقا دهد. زیرا در این سنت، نظر مردم نه فقط مکمل کار که ذات و ماهیت کار است.
- مهمترین فرصت برای این نوع برنامه ریزی، انعطاف قوانین و پیشرفته بودن آنهاست و مهمترین محدودیت روحیه ی نامشارکت جوی جامعه است که تغییر آن هم نیاز به زمان دارد، هم نیاز به خلاقیت در گروه برنامه ریزی که با چه روش هایی این روحیه را تغییر دهند. همچنین برخی از عوامل ذیمدخل همچون مستاجران ممکن است در زمره ی مخالفان ارتقای محلّه باشند، از سویی کاسبان محل در مقابل آنها قرار دارند که این هر دو شبکه از ذیمدخلان به ضرر و به نفع این نوع برنامه ریزی ممکن است فعالیت نمایند.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

- این پژوهش تلاش داشت تا نشان دهد که اتفاقا سهم زیادی از ایجاد مشارکت در جامعه به عهده ی متخصصان برنامه ریزی شهری است. این امر نه لزوما یک امر از بالا و تحت اختیار نهادهای دولتی و قوانین است، بلکه به همان میزان احتیاج به خواست و نیاز جامعه دارد و در این بین این شهر و فضای شهری است که می تواند مشعر این خواست و نیاز باشد؛ و برنامه ریزان با بکارگیری برنامه ریزی ارتباطی می توانند این مشعر را فراهم آورند.

نتیجه گیری و جمعبندی

بحث برنامه ریزی ارتباطی یک موضوع جدید در جهان و به ویژه در ایران است. این نو بودن و جدید بودن وسعت مطالب و تجربیات بسیاری را همراه خود دارد که سبب می گردد نیاز به پژوهش و کار بر روی آن هنوز وجود داشته باشد. پژوهش حاضر تلاش نمود تا جنبه های مختلفی را در بکارگیری و بومی‌سازی آن مد نظر قرار دهد. اما بی گمان چه در جزئیات و چه در کلیات هنوز جای خالی وجود دارد. هدف آرمانی برنامه ریزی ارتباطی آن است که همه عوامل ذیمدخل از قدرت برابر برخوردار باشند. این اگرچه یک آرمان است، اما در دنیای واقعی اگر این نوع برنامه ریزی به آن آرمان نینجامد، بی گمان به بازتوزیع آن می انجامد. افرادی را که تاکنون سهمی در سیاستگذاری نداشته اند اینک به پای میز مذاکره کشانده که حتّی اگر نتوانند به خواسته هایشان برسند، حداقل با حقوق اجتماعی، سیاسی و حق شهر و شهروندی خود آشنا شده اند و ازین پس می توانند تاثیر بیشتری در رویدادها و تصمیم گیری ها بگذارند. این مهم برای جامعه ی ایران که از کمبود چنان حقوقی رنج برده است، بی گمان از مهمترین دستاوردهای چنین برنامه ریزی ای خواهد بود. در نهایت می توان به این نتیجه رسید که کار در حوزه عمومی و توسعه و برنامه ریزی برای شهر دیگر از گفتمان صرف مهندسی خارج شده و تقریبا تبدیل به کنشی سیاسی شده است. بنابراین برنامه ریزی ارتباطی بدون ایجاد تحولات ساختاری در زمینه نگرش و جریان‌های فکری حاکم بر توسعه شهر نمی تواند قدمی در جهت کاهش نابرابری ها و شکاف‌های فضایی باشد. شهرهای ایران در امر توسعه و برنامه ریزی شهر در عمل به جایی رسیده اند که نیاز به یک تحول ساختاری و یا یک تکانه شدید در امر دانش و کنش در برنامه ریزی شهری دارند.از این رو در قبال تصمیمات کوچک تغییر نمی کنند و شاید در قبال تصمیمات بزرگ تغییر نماید. اما این تحول ساختاری نیاز به شروع کردن از درون جوامع دارد. این تجربه نشان داده است که حتی دیدگاه‌های هابرماسی در ایران قابل اجرا نیست. یعنی ما در بهترین حالت اجماع نیز نمی توانیم به خیر عمومی نائل شویم. چون مطمنا افراد دور میز مذاکره از قدرت یکسانی برای تصمیم گیری برخوردار نیستند و دوباره توسط هژمونی قدرت و سرمایه مجبور به ارائه نظراتی می شوند که نظر واقعی و انتخاب واقعی آنها نیست.یعنی آنها انتخاب نمی کنند بلکه در مسیر انتخاب قرارشان می دهند. بنابراین این جوامع دورنی محلی هستند که باید سازماندهی شوند، آموزش داده شوند، آگاه شوند تا قدرت اجتماعی بتواند بر قدرت سیاسی و اقتصادی غلبه نماید و مطالبات مردم پاسخدهی شود. به بیان دیگر به‌کارگیری پارادایم برنامه ریزی ارتباطی، با توجه به پویایی و ابعاد گسترده آن، در عمل کار ساده و آسانی نیست، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، به زنجیره ای از پیش شرط‌ها و زیرساخت‌های مناسب نیاز دارد که تقویت جوامع محلی و ایجاد شرایط مشارکت واقعی آنان کارآمدترین راه حل است.

منابع و مآخذ

۱. فریدمن، جان (۱۳۸۷) به سوی شیوه برنامه ریزی نااقلیدسی، چاپ شده در مجموعه مقالات نظریه برنامه ریزی شهری سده بیستم ویراسته کمپل و فاینشتاین، ترجمه ی عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۲. هیلیر، جین (۱۳۸۸) سایه های قدرت. ترجمه کمال پولادی، انتشارات جامعه مهندسان مشاور.
۳. هیلی، پاتسی، (۱۳۸۸) برنامه ریزی مذاکره‌ای: چرخش ارتباطی در نظریه برنامه ریزی، چاپ

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـده در مجموعـه مقـالات نظریه برنامـه ریزی شـهری سـده بیستم ویراسـته کمپل و فاینشتاین، ترجمـه عـارف اقوامـی مقـدم، انتشـارات آذرخـش، تهران.
٤. شـفیعی، امیر و خیابانی، مریـم، (١٣٩٠) رویکرد ارتباطی در برنامه ریزی شـهری؛ بررسـی نظری و شـناخت شناسـی. فصلنامه ی آبـادی، وزارت مسـکن و شهرسازی
٥. آلماندینگر، فیلیپ (١٣٨٧) چشـمانداز پسااثباتی در نظریـه برنامـه ریزی. چاپ شـده در مجموعه مقـالات آینـده برنامـه ریـزی ویراسـته فیلیـپ آلماندینگـر و مـارک تئودورجونز، ترجمه عارف اقوامـی مقدم، انتشـارات آذرخـش، تهران.
٦. دانشـپور، زهـره، (١٣٨٨) درآمـدی بـر نظریـه هـای برنامـه ریـزی بـا تأکیـد ویـژه بـر برنامـه ریزی شـهری. انتشارات دانشـگاه شهید بهشتی، چـاپ اول، تهـران.
٧. لاجـوردی، هالـه (١٣٨٨) زندگـی روزمـره در ایـران مـدرن، نشـر ثالـث. چـاپ اول، تهـران.
٨. بشیریه، حسـین، ب، (١٣٨٨) تاریخ اندیشه های سیاسـی در قرن بیسـتم؛ جلـد دوم: لیبرالیسـم و محافظـه کاری. نشـر نی، چاپ هشـتم، تهران.
٩. کهـون، لارنـس. (١٣٩٠) از مدرنیسـم تـا پسـت مدرنیسـم. ویراسـتار فارسـی: عبدالکریـم رشـیدیان. نشـر نـی، چـاپ هشـتم تهـران.
١٠. کریـب، ایـن. (١٣٧٨) نظریـه هـای مـدرن در جامعـه شناسـی: از پارسـنز تا هابرمـاس. ترجمه محبوبـه مهاجر، چاپ اول، انتشـارات سـروش، تهران.
١١. هریـس، نیل. (١٣٨٧) برنامه ریزی مشـارکتی: از مبانـی نظـری به اشـکال عملـی. چاپ شـده در مجموعـه مقـالات آینـده برنامـه ریزی ویراسـته ی فیلیـپ آلماندینگـر و مـارک تئودورجونـز، ترجمـه عـارف اقوامـی مقـدم، انتشـارات آذرخـش، تهـران.
١٢. تئودورجونـز، مـارک. (١٣٨٧) پویایـی شناسـی فـردی، چارچوبهـای متمایـز و برنامـه ریـزی ارتباطـی. چـاپ شـده در مجموعـه مقـالات آینـده برنامـه ریزی ویراسـته فیلیـپ آلماندینگر و مـارک تئودورجونـز، ترجمـه عـارف اقوامـی مقـدم، انتشـارات آذرخـش، تهـران.
١٣. پرداراز، مهندسـین مشاور معماری و شهرسازی، (١٣٨٧) سـاماندهی سـکونتگاه های غیررسـمی و اقدامـات توانمندسـازی اجتماعـات آن هـا بـا تاکیـد بر بهسـازی شـهری، کرج.
١٤. فلیوبیا، بنت و ریچاردسـون، تیم. (١٣٨٧) برنامه ریـزی و میشـل فوکـو؛ بـه دنبـال جنبـه پنهـان نظریـه برنامـه ریـزی. چـاپ شـده در مجموعه مقـالات آینـده برنامـه ریـزی ویراسـته فیلیـپ آلماندینگـر و مـارک تئودورجونز، ترجمه عارف اقوامـی مقـدم، انتشـارات آذرخـش، تهران.
١٥. نـوری کاردر، محمـد، (١٣٩٤) تحلیل کاربسـت ارتباطـی در توانمندسـازی سـکونتگاه‌های غیـر رسـمی؛ نمونـه مـوردی: محلـه سـهرابیه کـرج، پایـان نامـه کارشناسـی ارشـد برنامـه ریـزی شـهری، دانشـگاه آزاد قزویـن.

16. Wiklund, Hans, 2005. “A Habermasian analysis of the deliberative democratic potential of ICT-enabled services in Swedish municipalities”, New Media & Society, 2005; 7; 247
17. 83. www.aesop-planning.com
18. Hillier, Jean, 2003. Shadows of Power : An Allegory of Prudence in Land-use Planning. Taylor & Francis Routledge, London and New York
19. Forester, John, 1999. Planning in the face of power. Berkeley: university of California press. Available on Googlebook
20. Innes, Judith, and Booher, David, 1999. “Metropolitan Development as a Complex System: A New Approach to Sustainability”, Economic Development Quarterly 1999 13: 141
21. Healey, Patsy, 1997. Collaborative Planning: shaping places in fragmented societies, Macmillan Press, London.
22. Watson, Vanessa, 1995. “The Usefulness of Normative Planning Theories in the Context of Sub-Sahahran Africa” Planning Theory, Vol. 1 (1): 2752-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]